

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۸ جون ۲۰۲۱

## سفارت امریکا و "اردوی ایلہ جار"؟!

(۱)

یکشنبه- ۰۶ سرطان ۱۴۰۰ - کابل: یکی از سوالاتی که در روز های اخیر همیشه ذهنم را به خود مشغول می داشت، پیدایش "تب مسلح ساختن مردم" در بین زمامداران و جنگسالاران خونریز و جلاد افغانستان بود. این قشر که در جریان ۲۰ سال اخیر، تفنگهای شان را از انظار مخفی نموده، قلاده و رسن بردگی شان را به امپریالیسم با بستن "نکته‌ای" کتمان می نمودند و در هرکجائی از جامعه مدنی، دموکراسی و صلح حرف می زدند، یک باره دیده شد که همه مجدداً تفنگ به دست گرفته، حتا برخی ها ملبس به همان لباس های سالهای پار به عربده کشی آغاز نمودند. در یادداشت کنونی مکت کوتاهی در همین زمینه خواهیم داشت:

۱- آنهایی که با نگاهشده های این قلم آشنائی دارند می دانند که من نه تنها مخالف مسلح شدن مردم نیستم و در اساس در کشوری مانند افغانستان که برخورداری از حقوق حقه و ابتدائی افراد به قدرت آتش و میزان تفنگی که دارد، بستگی دارد، مسلح بودن و شدن مردم را از حقوق اولی آنها می دانم، بلکه همیشه و در همه حالت با صراحت اعلام داشته ام که راه مقابله علیه تجاوزات امپریالیستی و ارتجاعی، مسلح شدن مردم و متشکل شدن آنها از طریق ایجاد کمیته های دفاع از خود از سطح محله و گذر گرفته با گسترش افقی در سطح شهر و کشور و تحکیم مناسبات عمودی بر پایه روابط شورائی می تواند باشد. اصل و بنیاد تفکر را اعتقاد به این نکته می سازد که امپریالیسم و ارتجاع مسلح را فقط خلق مسلح می تواند سرجایشان بنشانند.

۲- آنهایی که دو دهه اخیر را به یاد دارند، این را هم حتماً به خاطر می آورند که وقتی امپریالیسم امریکا و شرکاء به دنبال هجوم وحشیانه توأم با کشتار و ویرانگری بر افغانستان مسلط شدند، یکی از نخستین کارهایی که انجامش را در دستور روز قرار دادند، خلع سلاح توده های میلیونی کشور بود. خلق زحمت کش و رزمنده ما که از یک سو شانه های شان زیر بار فقر و ناداری ومصیبت های ناشی از دو دهه جنگ و خونریزی زخمین بود و از جانب دیگر آگاهی لازم این را نداشتند که در دنیائی که امپریالیسم و ارتجاع می خواهند بسازند، فقط آنهایی حق و امکان زنده ماندن را دارند که لحظه ای تفنگ شان را بر زمین نمی گذارند و در غیاب و فقدان پیشاهنگ آگاهی که خط و مسیر درست را به آنها نشان دهند و در جوی که جواسیس، وطنفروشان و عمال بیگانه، کوتوله های سیاسی و جوجه مارکسیست ها به وجود آورده بودند؛ بدون آن که متوجه عاقبت قضیه باشند، به خلع سلاح استعماری تن دادند و هیچ به فکر شان هم نرسید که هرگاه

امپریالیسم مجدداً با ارتجاع هار مذهبی نوع طالب و یا دیگران در یک تباری جدید گام گذارند، بدون سلاح چگونه از منافع تاریخی، ملی و طبقاتی خود دفاع خواهند نمود؟ در چنان فضائی بر تک صدا هائی چون این مال قلم و بقیه فرزندان راستین و دور نگر خلق نیز مهر جنگ طلبی و چپروی خورده، در بوق و سرناهی کرکننده امپریالیستی یا اصلاً شنیده نشد و یا اگر هم شنیده شد، آنقدر ضعیف بود که کمتر توجهی را به خود جلب نمود.

۳- این را هم همه به خاطر داریم که هر گاهی اینجا و یا آنجا فردی از افراد کشور نخواست سلاح رزمش را تحویل استعمار و ارتجاع دهد و یا هم جهت دفاع از ناموس و جان خود و فرزندانش علیه تجاوزات جنگسالاران و عوامل ارتجاع مجبور به دفاع از خود گردیدند، زیر نام "تفننگ داران غیر مسؤول" دولت دست نشانده و بادارانش و میدیای وابسته به استعمار چنان سروصدا راه انداختند توگوئی داشتن یک میل تفنگ، زراد خانه امپریالیسم ناتو را تهدید به نابودی می نماید.

۴- در چنین فضائی وقتی یک باره دیده می شود، که تمام جنگسالاران، جواسیس تکنوکرات و دشمنان تفنگ و دشمنان ایجاد کمیته های دفاع از خود، یکشبه عاشق تفنگ و تسلیح مردم می گردند، برای هر انسانی که نمی خواهد در مسابقه مرگ و زندگی، مرگ سهمش باشد، این سؤال به وجود می آید، که منشأ و مبدأ این عشق در کجاست و انگیزه پیدایش چنین عشق سوزانی از کجا مایه گرفته و نقش سفارت امریکا در تزریق مصنوعی چنین عشقی چیست؟  
ادامه دارد.